

دکتر مسعود اعظم زنگنه

# اصول مالیات بر درآمد

## کنترل و نظارت بر تولید و توزیع

جلو گیری از کالاهای زیان بخش را میتوان بوسیلهٔ تحمیل مالیات بر تولید کنندگان و همچنین کالاهای تولید شدهٔ آنها انجام داد؛ مثلا در امریکا علاوه بر مالیات و عوارضی که بر اسلحهٔ آتشی تحمیل میشود، حق جواز سنگین نیز بکارخانجات تولید کننده تحمیل میگردد.

بخشودگی مالیاتی هنگامی باین نوع کارخانجات تعلق میگیرد، که محصولات خود را بر طبق مقررات موجود دولت بفروشند و طبق دستور و نظر دولت بتولید این نوع کالاها بپردازند. همچنین در کشور متحدهٔ امریکای شمالی هر صند عدد کبریت که از فسفور سفید تهیه شود، «دو سنت» مالیات تحمیل میشود. زیرا این نوع کبریتها نه تنها خطرناک و مضر برای مصرف کنندگان میباشد، بلکه بصحت و بهداشت کارگرانی که در این نوع کارخانجات کبریت سازی کار میکنند صدمه وارد میسازد.

همچنین برای جلوگیری از استخدام اطفال و خورد سالان در کارخانجات میتوان مالیاتی بر کالاهای تولید شدهٔ آنها تحمیل کرد، تا از استخدام و بکارگماشتن اطفال و خورد سالان در کارخانجات خودداری نمایند.

حقوق گمرکی نیز در واقع بکثرت مالیات بر اجناس و کالاهای مصرفی است که بر یکمده از کالاهای وارداتی تحمیل میشود. ولی کالاهای نظیر و مشابه آنها که

در داخله کشور تولید میشود از پرداخت این نوع مالیات معاف هستند. این مالیات موجب میشود که کالاهای خارجی نتوانند با کالاهای داخلی رقابت نمایند در نتیجه بازار کشور برای تولید کنندگان داخلی محفوظ میماند و بدست بازرگانان خارجی نمی افتد. فلسفه تعرفه گمرکی حمایتی نیز همین است.

آنچه در این مورد لازم بتذکر میباشد این است که در تعیین نرخ تعرفه گمرکی باید نهایت دقت بعمل آید تا نتیجه مطلوب حاصل شود. موفقیت تعرفه حمایتی را میتوان با میزان درآمد گمرکی که از این نوع کالاهای وارداتی اخذ میشود اندازه گیری کرد. اگر درآمد حاصله از کالاهای وارداتی که تعرفه حمایتی بر آنها تحمیل شده بشدت کاهش پیدا کند که تعرفه مذکور نتیجه مطلوب را بخشیده و صحیح تنظیم شده است (متأسفانه در کشور ما بعد از جنگ جهانی دوم باین موضوع توجهی نشده و از صنایع داخلی آنطوریکه باید و شاید حمایت بعمل نیامده، و هر قدر درآمد گمرکات را متصدیان امر زیاد کنند مورد تشویق و تقدیر واقع میشوند و بعمل خود فخر و مباهات نیز مینمایند، غافل از اینکه این عمل چه خسارت غیر قابل جبرانی با اقتصادیات کشور وارد میسازد)

### نظرات بر سیستم کلی اقتصادی

در گذشته پیشنهادهای زیادی بمنظور تغییر و اصلاح سیستم اقتصادی از طریق وضع مالیات شده، که اهم آنها بنام «مالیات واحد» مشهور گردیده است. این پیشنهاد که از طرف هائری جورج (Henry George) تهیه و تنظیم گردیده، و در کتاب مشهور و معروف او بنام «ترقی و فقر» (Progress and Poverty) که در سال ۱۸۷۹ طبع و منتشر شده بتفصیل توضیح و تشریح گردیده که خلاصه آن بشرح زیر است: «مالیات واحد» عبارتست از مالیاتی که بر ارزش زمین و بسا با اصطلاح اقتصادی بررانت (Rant) تحمیل میگردد، و با عبارت دیگر اضافه ارزش سالیانه حاصله از حاصلخیزی طبیعی و یا موقعیت محلی زمین بوجود میآید، که کاملاً از

در آمد حاصله از کار و سرمایه گذاری که در آن زمین بکار رفته است مشخص می باشد  
 هائری جورج از نظر توجیه اخلاقی و معنوی این مالیات اظهار میدارد، چون رانت  
 عبارتست از در آمدی که فقط در نتیجه تملک تحصیل میشود، بدون اینکه مالک  
 آن کوچکترین عملی جهت بدست آوردن آن انجام داده باشد. بنابراین مالیات  
 مذکور چه از نظر اخلاقی و معنوی و چه از لحاظ اجتماعی و اقتصادی بهترین  
 نوع مالیات بوده، و بهترین وسیله نظارت بر سیستم عملی اقتصادی می باشد.  
 تأثیر اقتصادی این مالیات این است که سفته بازان زمین را که اراضی پهناور  
 وسیعی را که مورد نیاز افراد جامعه است و بمنظور گران شدن قیمت احتکار  
 کرده اند مایوس و دلسرد میسازد. ضمناً با اخذ مرتب اضافه ارزش سالیانه ( یعنی  
 رانت ) بوسیله مالیات از طرف دولت موجب میشود که بهای زمین ترقی نکند مگر  
 زمینهایی که در آن کار و سرمایه مصرف شود. در نتیجه زمینها را به  
 خریداری نیست که ممانعت و جلوگیری از سفته بازی زمین موجب آبادانی  
 اراضی بایر میشود، که در نتیجه کمک ترقی و توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور و  
 رفاه و سعادت ملت خواهد نمود.  
 در سال ۱۹۳۰ پیشنهادات زیادی از طریق مالیات داده شد که کشور امریکا  
 را از بحران اقتصادی نجات دهند. اغلب پیشنهاد های مذکور بر این اصل مبتنی بود  
 که موقعی که قدرت خرید پس انداز میشود، و این پس انداز بجای اینکه فوراً تبدیل  
 بسرمایه گذاری گردد، بصورت وجه نقد احتکار شود و با عنوان سپرده ثابت و بدون  
 مصرف در بانکها انباشته شود، وضع اقتصادی کشور بکلی مختل میگردد. برای  
 رفع این اشکال پیشنهاد شده بود که مالیات سنگینی بر وجوه نقدی افراد و سپرده  
 ثابت آنها که در بانک نگاهداری نموده اند تحمیل گردد تا افراد مجبور شوند این  
 پولها را یا بمصرف کالاهای تولیدی برسانند و یا در راه سرمایه گذاری بکار ببرند.  
 نظریه دیگری که در این مورد بیان شده و معروفیت پیدا کرده بنام « مالیات  
 محرك » میباشد که از طرف ویلیام هازلایت ( Haylett William ) پیشنهاد شده است.

مالیات مذکور عبارت بود از ۳۰٪ مالیات بر در آمد شرکتهای که هر سال دو درصد آن به نسبت معدل موجودی نقدی ماهیانه شرکتهای کسر میشد. این مالیات یک نوع مالیاتی بود که بر موجودی احتکار شده شرکتهای تحمیل میکردید. در سال ۱۹۳۶ مالیاتی بر سود سهام تقسیم نشده شرکتهای وضع و بموقع اجراء گذاشته شد. این سومین طریقه نزدیک شدن بنظریه فوق بود. بموجب مالیاتهای مذکور پس انداز شرکتهای تقسیم و در اختیار سهامداران قرار گرفت. اما آنطوریکه انتظار میرفت پولهای مزبور بمصرف خرید کالا و یاسر مایه گذاری نرسید. آنچه مسلم است علت عدم موفقیت مالیاتهای مذکور نرسیدن به هدف مطلوب بواسطه توسعه و عظمت وضع اقتصادی امریکا بود زیرا در کشورهاییکه دستگاہهای اقتصادی آن فوق العاده توسعه یافته است یک طرح ساده مالیاتی نمیتواند تأثیر زیادی در کنترل وضع اقتصادی داشته باشد. عقیده اکثریت علمای مالیه بر این است که سیستم مالیاتی باید طوری تنظیم شود که شامل انواع و اقسام درآمدها گردد. تنوع مالیاتی موجب خواهد شد که دولت میتواند در کلیه رشته های اقتصادی نظارت خود را حفظ نموده و کنترل خود را با نوسانات اقتصادی تطبیق نمایند. طرح مالیاتی، مفهوم مالیاتی و بخشودگیها باید ثابت بماند. و اما سیستم مالیاتی باید طوری تنظیم شود که وصول مالیات در هنگام رونق و رواج بسرعت افزایش یابد و مانع تورم گردد در هنگام کساد و رکود معاملات و وصولی باید فوراً تنزل نماید (بدون تغییر نرخ مالیاتی) و دولت در این هنگام باید سیاست کسر بودجه را انتخاب کند. یولیکه در این موقع دولت علاوه بر مالیاتهای وصولی خرج و بجزریان میگذارد قدرت خرید بیشتری در سیستم اقتصادی داخل مینماید که موجب رونق بازار میگردد. البته نباید تصور کرد که این سیاست تنها وسیله منحصر بفرد رفع بحران میباشد، بلکه اقدامات دیگری نیز لازم است که ذکر آنها در اینجا خارج از مبحث ما میباشد.

نظریه مالیاتی (The Theory of Taxation) (The Theory of Taxation) (The Theory of Taxation) (The Theory of Taxation) (The Theory of Taxation)